

B.A. Semester-6 Examination

CC 313

Persian

April-2023

Time : 2-30 Hours]

[Max. Marks : 70

પ્રશ્ન ૧ નીચે આપેલ ફકરાઓનું માધ્યમની ભાષામાં અનુવાદ કરો.

(14)

પિર મરદ نادانی یک کیسه طلا داشت- او سوراخی در زمین حفر کرد و کیسه طلا را در آن سوراخ گذاشت و با سنگی روی آن را پوشاند- پیر مرد هر روز آنجا را واری می کرد- او سنگ را کنار می زد و انگشتانش را داخل سوراخ می کرد و طلاها را لمس می کرد و از این کار خوشحالی بسیار احساس می کرد- روزی سنگ را برداشت و مثل همیشه انگشتانش خود را در داخل سوراخ کرد و فهمید که گنجش آنجا نیست بسیار خشمگین و ناراحت شد- ظاهراً نوکری که مواظب کارهای اربابش بود، گنج را دزدیده بود- پیر مرد نزد یکی دوستانش رفت و با اندوه داستان را برای او تعریف کرد- دوستش گفت: هیچ دلیلی برای غمگین بودن شما وجود ندارد- طلای شما برای شما فایده ای نداشت- سوراخ هنوز هست- هر وقت بخواهید، می توانید آن را واری کنید-

અથવા

પ્રશ્ન ૧ નીચે આપેલ ફકરાઓનું માધ્યમની ભાષામાં અનુવાદ કરો.

انوشیروان عادل یکی از بزرگترین پادشاهان سلسله ساسانی، در داد گستری مشهور آفاق است، و در زمان او کشور ایران قدرت و آسایش نام داشت میگویند انوشیروان برای داد خواهی ستمدیدگان فرمانداد تا بندی از ابریشم بر کنگره ایوان به بندند، طوری که اگر کسی از میدان جلو قصر آنرا میکشید، زنگ بزرگی صدا می داد و بدینواسطه کسری می دانست که مظلومی بداد خواهی آمده است. روزی که حوالی بارگاه پادشاه از مردم خالی بود الاغی ضعیف بدانجا رسید و چون خارش بر پشت او افتاده بود خود را بر پشم مایید. ناگاه صدای زنگ بگوش انوشیروان رسید. از جای برجست و بگوشه بام ایوان آمد. چون بپائین نگاه کرد الغی را دید که پشت خود را بر بند میمالید. بیدرنگ فرمانداد که از حال الاغ آگاه شوند و صاحب آنرا حاضر سازند. گفتند: خر آسیابانیست که اکنون پیرو لاغر شده و از بار کشیدن و کار کردن و سواری دادن فرو مانده و آسیابان او را از خانه بیرون کرده است. انوشیروان فرمود تا آسیابان را بیاورند، و چون حاضر شد به او گفت: باید تا آخر عمر این الاغ را نگاهداری کنی و آب و علف باو بدهی باقی زندگانی او را نرنجانی. پس منادی فرمود که هرگاه جانوری برای صاحبش کار کرده باشد باید در موقع پیری و ناتوانی از او نگاهداری کند و از پیش خود نراند.

પ્રશ્ન ૨ નીચે આપેલ ફકરાઓનું માધ્યમની ભાષામાં અનુવાદ કરો.

(14)

یکی را از ملوک مرضی هائل بود که اعانت ذکر آن ناکردن اولی تر طائفه از حکمائے یونان متفق شدند که مرا این در رادوائے نیست مگر زهره آدمی که چندین صفت موصوف باشد بفرمود طلب کردن دهقان پسری یافتند بران صورت که حکیمان گفته بودند پدر و مادرش را بخواندند و بنعمت بیکران خوشنود گردانید قاضی فتوی داد که خون یکی از رعیت ریختن سلامت نفس بادشاه راه روا باشد جلا و قصد کرد پسر سرسوی آسمان بر آورد تبسم کرد ملک

(01)

(P.T.O.)

پرسید که درین حالت چه جائے خندیدن است گفت ناز فرزند بر پدر و مادر باشد و دعوی پیش قاضی برند و داد از پادشاه خواهند اکنون پدر و مادر بعلت حطام دنیا مرا بخون در سپرد و قاضی بکشتم فتوی داد و سلطان مصالح خویش در هلاک من مے ببند بجز خدائی عزو جل پناهی نمی بینم .

अथवा

प्रश्न २ नीचे आपेक्ष करारोनुं माध्यमनी भाषामा अनुवाद करी.

چرا نمی فهمی؟ مگر خود خبر نداری؟ دی روز آقا حسن تاجر زن ملک التجا را با زن کد خدا و زن ملا باقر نزد عمه ات فرستاده خواستگاری ترا کرده اند . عمه هم قول داده است . سکینه خانم : وی ! عمه هم حرف بیخودی زده باشد آن که بشنودگی است . بفرستی . عزیز بیگ : خیر . به بخشید . من هرگز باین حرفها دیگر ساکت نمی شوم . یا باید همین حالا بفرستی . عمه ات را صدا کنی همچو که بگوش خود بشنوم بگوئی که تو زن آقا حسن نخواهی شد . یا این که من باید امروز کشتن آقا حسن کمر به بندم . چه باده باد ! حسن پبله در چه کاره است ! خواسته باشد پاتوئی کفش من بکند . اسم نامزد مرا ببرد و یا مره راه من بیاید . بخدا که حالا می روم یا همین قمه رود باش را در می آورم . سکینه خانم : خیلے خوب ! من الآن می فرستم . عمه ام را صدا کنند بیاید این جا می آیم من هرگز زن آقا حسن نمی شوم و نخواهم شد .

(14)

प्रश्न ३ नीचे आपेक्ष काव्यांशोनुं समजूतीसहित अनुवाद करी.

روزی که زیر خاک تن ما نهان شود
و آنها که کرده ایم یکایک عیان شود
یا رب بفضل خویش ببخشای بنده را
آن دم که عازم سفر آن جهان شود
بره چاره آدمی که اگر خود هزار سال
مهلست بیابد از ازل و کامران شود
هم عاقبت چو نوبت رفتن بدورسد
با صد هزار حسرت از آن جا روان شود
فریاد از آن زمان که تن نازنین ما
بر بستر هوان فتد و ناتوان شود

अथवा

प्रश्न ३ नीचे आपेक्ष काव्यांशोनुं समजूतीसहित अनुवाद करी.

شنیدم که بگریست سلطان روم
بر نیک مردی ز اهل علوم
که پایابم از دست دشمن نماند
جز این قلعه و شهر با من نماند

(02)

پس از من شود سرور انجمن

کنون دشمن بد گهر دست یافت

سر دست مردی و جهدم بتافت

چه تدبیر سازم چه درمان کنم؟

که از غم بفرسود جان در تنم

(14)

પ્રશ્ન ૪ નીચે આપેલ શ્લોકોનું માધ્યમની ભાષામાં અનુવાદ કરો.

ابو الحسن یمین الدوله امیر خسرو به سال ششده و پنجاه و یک در شهر پتالی (نزد آگره) پیدا شد۔ پدرش امیر سیف الدین محمود یکی از فضلاى زمان به شمار می رفت۔ خسرو بعد از کسب علوم و فنون به تحصیل آثار و اشعار فارسی پرداخت۔ درین زبان استعداد کلی بهم رسانید و از عنقوان شباب به سرودن اشعار آغازید۔ از جهت ندرت بیان و شیرینی کلام و کثرت اشعار می توان او را شاعر صف اول شمرد۔ اقامت گاه خسرو دار السلطنت دهلی بود و نزد سلاطین آن ولایت معزز و محترم بود و عذای از آنان را در اشعارش نامبرد و مدح کرد۔ او در الفاظ و معانی پیروی شعرای نامی ایران نمود۔ با این همه توان گفت خسرو و طرز خاصی دارد که آن لحن در دیگر شعرای زبان پارسی هند به تفاوت مراتب دیده می شود۔ و این سبک به تدریج صورتی مخصوص اختیار کند و سبک خصوصی هند را به وجود می آرد۔ امیر خسرو به دست شیخ نظام الدین اولیاء بیعت کرد۔ غزلهای او بیشتر مضامین عاشقانه دارد۔ او گفتگوی آرزوهای دیدار و هجر در میان آورده و از سیل اشک و روی زرد بحث کرده است۔ امیر خسرو در اتباع نظامی گنجوی مثنویات نوشته و مثنویات او از حیث تاریخ اهمیت دارد۔ او کتابی در فن انشاء بنام رسائل الاعجاز تالیف کرده است۔ بحیثیت مجموعی خسرو را می توان بزرگترین شعرای فارسی هند نامید۔ وفات خسرو به سال ۵۲۵ هـ در دارالسلطنت دهلی اتفاق افتاد و در پائین نظام الدین اولیاء آسوده است۔

અથવા

પ્રશ્ન ૪ નીચે આપેલ શ્લોકોનું શરસીભાષામાં અનુવાદ કરો.

ઉમર ખય્યામ સલ્જુકકાળના પ્રખ્યાત કવિ હતા. તેમનો જન્મ નીશાપુરમાં થયો હતો. તેમણે તુસ બુખારા, મર્વ, બગદાદ વગેરેનો પ્રવાસ પણ ખેડયો હતો. ખય્યામ પોતાના યુગના સૌથી સન્માનીય વ્યક્તિ હતા. તેઓ પોતાના યુગના સુલ્તાનો, વિધવાનો અને પ્રતિષ્ઠિત વ્યક્તિઓ જોડે સંબંધો ધરાવતા હતા. અને એમની મજલીસો અને બેઠકોમાં સામેલ થતા હતા. આ ચિંતક કવિ ખગોળશાસ્ત્ર, મેડીકલ સાયન્સ અને તત્વજ્ઞાનમાં નિપૂર્ણ હતા. ખય્યામની ખ્યાતિ મખ્યત્વે એમની રુબાઈઓને આભારી છે. એમની રુબાઈઓની શૈલી

એનું માધુર્ય અને એની પ્રભાવ સવિશેષ કંઈક જુદો છે. આમતો એમની રુબાઈઓની સંખ્યા ઓછી છે પરંતુ ભાવાર્થ અને સૂક્ષ્મ મુદ્દાઓની ઇણાવતટને લીધે ખૂબ ધ્યાનાકર્ષક છે. ખરેખર તેમણે તત્ત્વજ્ઞાનમાં સૂક્ષ્મ મુદ્દાઓ રુબાઈઓના બીબાઓમાં અસરકારક રીતે ઢાળ્યા છે. આજકારણે તેમણે ફારસી સાહિત્યના પ્રથમ હરોળના કવિઓમાં પોતાનું આગવું સ્થાન બનાવ્યું છે.

પ્રશ્ન ૫ નીચે આપેલ પ્રશ્નોના ઉત્તર આપો. (ગમે તે સાત)

(14)

- ૧ "ખુરદન" ક્રિયાપદનો અર્થ અને આજ્ઞાર્થ લખો.
- ૨ "શનાખ્તન" ક્રિયાપદનો શાબ્દિક અર્થ જણાવો.
- ૩ યુનિવર્સિટીને ફારસીભાષામાં શું કહેવામાં આવે છે ?
- ૪ ઈરાનમાં કઈ ઋતુથી નવા વર્ષની શરૂ થાય છે ?
- ૫ ફારસી વાક્યમાં પ્રત્યય કયાં દર્શાવવામાં આવે છે ?
- ૬ "દાશ્તન" ક્રિયાપદનો અર્થ જણાવો.
- ૭ "રક્તન"નો વિરોધી શબ્દ લખો.
- ૮ "અંદાખ્તન" ક્રિયાપદનું આજ્ઞાર્થ જણાવો.
- ૯ "બસ્તન" ક્રિયાપદનું ભુતકાળનું રૂપ લખો.
- ૧૦ "રેખ્તન"નું શાબ્દિક અર્થ જણાવો.

.....